

عنوان مقاله:

اصول نوزایی محورهای اصلی در بافت تاریخی با بهره گیری از نظریه اتصال نمونه موردی: بافت تاریخی گرگان

محل انتشار:

دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در عمران، معماری و شهرسازی (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسنده:

هادی پندار - هیئت علمی گروه شهرسازی دانشگاه مازندران

خلاصه مقاله:

متروک ماندن گذرهای عمومی در بافت های تاریخی از جمله چالش هایی است که بسیاری از مراکز شهری ایران از آن رنج می برند. این مراکز که اغلب به عنوان هسته اولیه پیدایش و توسعه شهر نیز محسوب می شوند، نیازمند راهکارهای ویژه ای جهت نوزایی و احیا می باشند. راهکارهایی که لازم است در راستای حفظ و تقویت هویت های تکرارشدنی این بافت ها باشند. توسعه مسیرهای پیاده در گذرهای بین محلات در چنین بافت هایی میتواند جاذبه های گردشگری و علاقه به حضور در آن را بیشتر نماید. از سوی دیگر احیای الگوی دسترسی میان مراکز، معابر و بناهای عمومی یا ارزشمند نیازمند بررسی و تحلیل الگوی استقرار ساختمان ها و فضاهای باز می باشد. بکارگیری نظریه اتصال در طراحی شهری به منظور سازماندهی محورهای اتصال دهنده بخش های مختلف بافت مناسب به نظر می رسد. این مطالعه با بهره گیری از نظریه اتصال در طراحی شهری، بدنبال کاربست اصول طراحی شبکه های سبز خطی در سازماندهی محورهای اصلی به عنوان عامل نوزایی در بافت تاریخی گرگان میباشد. ایده محور سبز خطی تحت عنوان محورهای ویژه تاریخی گردشگری با توانمند نمودن فرصت های نوسازی و - حوزه های قابل احیاء و اتصال آنها به عناصر تاریخی به صورت سازگار با فرهنگ محلی در عرصه های درونی بافت باعث ارتقاء کیفیت محیط می گردد. روش تحقیق بکار رفته در این پژوهش نمونه موردی می باشد. این مقاله با مرور دو تجربه جهانی در این زمینه فرایند مناسب جهت مداخله در بافت تاریخی گرگان را پیشنهاد می نماید. نتایج مطالعه حاضر نشان می دهد، حفظ اتصال و پیوستگی حرکت پیاده درون چنین بافت هایی فرصتهای موجود جهت استقرار بناهای میان افزا و یا تبدیل به عرصه های عمومی را آشکار می سازد. برقراری ارتباط روشنو تعریف شده میان ساختمان ها و فضاهای بین ساختمان ها به عنوان حیاط های باقیمانده از مساحت زمین از موضوعات کلیدی مورد توجه در طراحی و توسعه مسیرهای فوق می باشند. این محورها به صورت نواری سبز لایه های عملکردهای بافت که می تواند باغها و قطعات سبز خصوصی را نیز به عرصه های همگانی پیوند دهد، از یک سو به عنوان سبز راه با خدمات مناسب توانایی جذب پیاده را داشته و از سوی دیگر امکان برقراری پیوستگی آن با حوزه های اکولوژیک و طبیعی اطراف را میسر می سازد. تغییر عرض این مسیر در فرصت های موجود، امکان ایجاد عرصه هایی جهت حضور و مکث را ممکن می سازد که موجب افزایش سرزندگی نیز می گردد. تدقیق چارچوب نظری مناسب جهت مداخله بر اساس ارزش های بافت و الگوی حرکت و دسترسی آن، تعیین محورها و لکه های سبز مناسب عمل در محدوده، تعریف شبکه پیوسته های از فضای سبز با استفاده از فرصت ها و پوشش گیاهی موجود و نهایتا در تدوین یک نظام مدیریتی متمرکز جهت نگهداری و توسعه این شبکه در آینده بافت از مراحل اصلی مورد عمل در این فرایند می باشند. به طور خلاصه می توان گفت، این ایده بر مبنای سازمان فضایی مرکز گرا شکل نگرفته بلکه به دنبال شبکه گسترده و پیوسته ای از فضاهاست که موجب نوزایی و ارتقاء کیفیت بخش های مختلف بافت تاریخی می گردد.

کلمات کلیدی:

بافت تاریخی، طراحی شهری، تئوری اتصال، محورهای ویژه گردشگری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/509566>



